



اعجاز قرآن در نجوم

تشریح طیف گسترده مسائل نجومی در قرآن ...

تشریح طیف گسترده مسائل نجومی در قرآن

مهر نوشت: عضو هیئت علمی جامعه المصطفی با اشاره به اینکه طیف گسترده مسائل مرتبط با نجوم در قرآن مورد توجه قرار گرفته و این امر در نام سوره‌های قرآنی به وضوح دیده می‌شود، گفت: حرکت زمین و شکل آن زمانی در قرآن طرح شده که تفکر غالب ثابت بودن زمین بود.

حجت الاسلام دکتر سید عیسی مسترحمه عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه و نویسنده کتاب قرآن و کیهان شناسی در رابطه با اشارات قرآنی به بحث نجوم اظهار داشت: هروقت با کتابی مواجه می‌شویم پس از رؤیت جلد مستقیم به سراغ فهرست آن می‌رویم، همین رویکرد را در مورد قرآن، کلام خدا که بیش از 1400 سال از نزول آن می‌گذرد، به صورت مصون از غلط به دست ما رسیده و اهداف خاصی از نزول قرآن مورد اراده خداوند بوده در نظر می‌گیریم و به بررسی فهرست قرآن می‌پردازیم که نام سوره‌های قرآن را دربر گرفته است.

اهمیت مباحث نجومی در قرآن

دکتر مسترحمه گفت: در میان برخی نامهای سوره‌های قرآن می‌توان به نام سوره‌هایی چون فلق، عصر، ضحی، لیل، شمس، فجر، انشقاق، تکویر، نجم، قمر اشاره کرد و در کنار آن برخی سوره‌هایی در قرآن وجود دارد که علاوه بر عناوین دارای موضوعات نجومی است. بیش از 15 سوره قرآن با عناوین نجومی نامگذاری شده است که این امر نشان از اهمیت مباحث نجومی در قرآن است.

وی افزود: انسانها به چیزی قسم می‌خورند که برایشان اهمیت داشته باشد، آن را دوست داشته باشند، ویژگی خاصی داشته و مورد توجه آنها قرار گرفته باشد. قسمهای قرآن که ابتدای بسیاری از سوره‌های قرآن آمده است در آیات آغازین سوره ضحی آمده است: "وَالضُّحَى، وَاللَّيْلُ إِذَا سَجَى (سوگند به روشنایی روز، سوگند به شب چون آرام گیرد)؛ همچنین قرآن در نخستین آیات سوره لیل می‌فرماید: وَاللَّيْلُ إِذَا يَغْشَى وَالتَّهَارُ إِذَا تَجَلَّى (سوگند به شب چون پرده افکند، سوگند به روز چون جلوه‌گری آغازد)؛ خداوند در شش آیه سوره شمس نیز می‌فرماید: وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا، وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَاهَا، وَالتَّهَارُ إِذَا جَلَاهَا، وَاللَّيْلُ إِذَا يَغْشَاهَا، وَالسَّمَاءُ وَمَا بَنَاهَا، وَالْأَرْضُ وَمَا طَحَاهَا (سوگند به خورشید و تابندگی‌اش، سوگند به ماه چون پی [خورشید] رود، سوگند به روز چون [زمین را] روشن گرداند، سوگند به شب چو پرده بر آن پوشد، سوگند به آسمان و آن کس که آن را برافراشت، سوگند به زمین و آن کس که آن را گسترد)

نویسنده کتاب قرآن و کیهان شناسی یادآور شد: قسمهای خداوند در قرآن گاهی به جان پیامبر، عزت خود و موضوعاتی را دربرمی‌گیرد که دارای اهمیت است، این طیف گسترده قسمهای قرآن، به موضوعات و عناوین نجومی، شاهد بر اهمیت این موارد در قرآن است.

تکرار موضوعات و عناوین نجومی در قرآن

حجت الاسلام مسترحمه در ادامه اظهار داشت: در قرآنی که 6236 آیه دارد لفظ سما و یا سماوات به غیر ضمایر و کنایه‌ها و اسم اشاره‌ها و تنها لفظ آسمان به صورت مفرد و جمع 310 مرتبه تکرار شده است. از زمین 461 بار نام برده شده است یعنی خداوند در هر 10 تا 12 آیه به زمین اشاره کرده است. خداوند 300 بار کلمه روز، 100 بار شب، 30 بار خورشید را مورد اشاره قرار داده است و بسیاری دیگر از موضوعات و مسائل نجومی در قرآن ذکر شده است. اگرچه تمام این موارد اشاره به آسمان و زمین محسوس نیست اما طیف گسترده‌ای به همین آسمان و زمین محسوس است.

طیف گسترده موضوعات نجومی در قرآن

این استاد حوزه و دانشگاه تصریح کرد: طیف گسترده مباحث نجومی در قرآن مورد اشاره قرار گرفته است. در قرآن از آغاز آفرینش سخن گفته شده است و این امر در آیه 30 سوره انبیا به وضوح قابل مشاهده است: آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند و ما آن دو را از هم جدا ساختیم و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم آیا [باز هم] ایمان نمی‌آورند.

وی افزود: قرآن در سوره های هود آیه 7، انبیا آیه 30 و فصلت آیه 13 از مواد تشکیل دهنده آسمان و زمین سخن گفته است. برای مثال در آیه هفتم سوره هود آمده است: و اوست کسی که آسمانها و زمین را در شش هنگام آفرید و عرش او بر آب بود تا شما را بیازماید که کدامیک نیکوکارترید و اگر بگویی شما پس از مرگ برانگیخته خواهید شد بطور قطع کسانی که کافر شده‌اند خواهند گفت این [ادعا] جز سحری آشکار نیست.

دکتر عیسی مسترحمه گفت: خداوند در سوره های اعراف آیه 54، یونس آیه 3، هود آیه 7 و حدید آیه 4 از مراحل و دوره های آفرینش صحبت به میان آورده است و در آیه های 27 تا 33 سوره نازعات و آیات 9 تا 12 سوره فصلت به تحولات و تغییراتی که در روند آفرینش صورت گرفته اشاره کرده است.

وی با اشاره به اینکه بحث خورشید، زمین، کروییت زمین در قرآن بیان شده است اظهار داشت: همچنین در قرآن حرکت زمین در بیش از 10 آیه بیان شده است، درحالی که در زمان نزول قرآن تفکر غالب، ثابت بودن زمین بود. در مورد شکل زمین بیش از 7 آیه آمده است، کروییت و حتی بیضوی بودن و تخم مرغی مورد اشاره قرار گرفته است.

این استاد حوزه و دانشگاه یادآور شد: در مورد حرکتهای خورشید در سوره یاسین و برخی دیگر سوره ها تعبیر بسیار زیبایی آمده، حرکت خورشید همراه با منظومه شمسی، حرکت دورانی خورشید و حرکت در کهکشان با تعبیر دقیق و زیبایی بیان شده است. همچنین در رابطه با پایان آفرینش به طور مفصل، پایان عمر زمین، تحولاتی که در زمین رخ می دهد، پایان عمر ستارگان و خورشید در قرآن نیز صحبت شده است.

بررسی دو نمونه

وی گفت: خداوند در آیه 15 سوره ملک حرکت زمین با تعبیر زیبا و اعجاز گونه ای این حرکت را تشریح کرده است. *الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَتَابِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ الْثُّمُورُ* (اوست کسی که زمین را برای شما رام گردانید پس در فراخانی آن رهسپار شوید و از روزی [خدا] بخورید و رستاخیز به سوی اوست)

حجت الاسلام مسترحمه تأکید کرد: واژه ذلول در زبان عربی شتر یا حیوانی است که وقتی راکب بر آن سوار است، راکب در آسایش است به تعبیر دیگر راهوار است. ویژگی اصلی ذلول این است که حرکت دارد و راکب خود را اذیت نمی کند. وجه شبه حیوان ذلول با زمین چیزی نمی تواند باشد جز حرکت کردن آن و عدم اذیت کردن راکب. نکته دیگری که در این در آیه وجود دارد این است که خداوند "زمین را برای شما" رام گردانید اما از بیرون زمین با سرعت شتاب آور و سرسام آوری در حرکت است اما برای کسی که روی زمین است احساس خاصی از حرکت آن ندارد.

وی در ادامه با تبیین معنای واژه "ذلول" گفت: در کتابهای لغت دقیق مثل "مفردات راغب اصفهانی" آمده است که عربها به هر حیوانی ذلول نمی گویند، ذلول حیوانی است که قبلاً چموش بوده پس از رام شدن ذلول و راهوار شده است. اینکه خداوند می فرماید زمین را برای شما ذلول قرار داده ایم یعنی قبلاً ذلول نبوده است خداوند را برای شما ذلول قرار دادیم. این نظریه دارای شواهد بسیاری است که زمین پیش از آنکه که قابلیت حیات داشته باشد، سرعت بسیار زیاد داشت و شاید به علت آنکه تحت گرانش خورشید قرار داشت، دچار تکانها و لرزههای شدیدی می شد، طول شبانه روز آن کوتاه تر بود و شرایط حیات در آن وجود نداشت، پس از آن با تدبیر خداوند شرایط امروز به وجود آمده است.

از دیگر موارد مورد اشاره دکتر مسترحمه آیه 125 سوره انعام بود که خداوند در آن می فرماید: *فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأْتَمًا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ* (پس کسی را که خدا بخواهد هدایت نماید دلش را به پذیرش اسلام می‌گشاید و هر که را بخواهد گمراه کند سینه اش را سخت تنگ می‌گرداند مثل کسی که به زحمت در آسمان بالا می‌رود این گونه خدا پلیدی را بر کسانی که ایمان نمی‌آورند قرار می‌دهد)

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی گفت: مفسران قدیمی چنین آیه را تفسیر می کردند که همچنان که بالا رفتن به آسمان سخت است، اسلام آوردن نیز دشوار است؛ درحالی که با اکتشافات جدید و مشخص شده بحث جو و کمبود فشار جوی در طبقات بالایی جو و نیاز به اکسیژن در مراحل بالایی جو برای تنفس انسان معنای این آیه روشن تر و واضح تر می شود. به تعبیر آیت الله مکارم شیرازی تشبیه یک امر معقول به محسوس بوده است.

وی اضافه کرد: بحث کمبود اکسیژن در مراحل بالایی جو نزدیک به 150 تا 200 سال گذشته کشف شده است اما قرآن در این تشبیه به عدم وجود اکسیژن کافی در مراحل بالایی جو اشاره می کند. آیت الله معرفت نکته زیبایی از این آیه قرآن برداشت کرده است. وی اعتقاد دارد با توجه به کتابهای دقیق لغت کلمه "يَصْعَدُ" از صعدا به معنای نفس کشیدن به سختی است. در لغت عرب به بیماری

آسم یا تنگی نفس الصعدا گفته می شود. شاهد وی هم این است که می گوید " یَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ " که یعنی مثل کسی که در آسمان به سختی نفس می کشد. این تعبیر برخلاف تعبیر قبلی است، فعل حرکت در این تعبیر وجود ندارد و مفهوم را روشن تر بیان می کند.